

روپرت جانر بروک شاعر بود. او در سال ۱۸۸۷ میلادی در انگلستان بدنیا آمد. نخستین دفتر سروده‌هایش را با عنوان اشعار در سال ۱۹۱۱ چاپ کرد. در میان انجمن‌های ادبی و سیاسی آن روزگار محبوب بود و با گروه بلومزبری و ویرجینیا وولف رفت و آمد داشت. وی علاوه بر فرهنگ و ادب، عاشق پیشه بود. در سال ۱۹۱۳ دچار سکتة مغزی شد. از آن پس چند ماهی را در آمریکا و کانادا گذراند. کتاب نامه‌هایی از آمریکا مجموعه مقاله‌هایی است که در آن مدت برای مجله وست‌مینستر نوشته بود. با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به انگلستان بازگشت و به نیروی دریائی سلطنتی پیوست. مهمترین اشعار وی، غزلیات جنگ، در این دوران سروده شد. پس از شرکت در عملیات نظامی آنور، با نیروی دریائی در راه سفر به گالیپولی بود که دچار مسمومیت خونی شد. پس از مرگش در سال ۱۹۱۵، در جزیره اسکیروس در دریای اژه، به

خاک سپرده شد. از آن پس از او بعنوان نماینده نسل جوان

پاکباخته انگلستان در دوران جنگ یاد می‌کنند. (ا.م.)

قد برازنده او را چنان وصف کرده‌اند که جسارت می‌خواهد تا نخستین تأثرات ویژه‌ام را بیان کنم چرا که نخستین تأثیری که این پسر خوش سیما، با آن چهره بسیار مرسوم انگلیسی‌اش، می‌گذاشت تا بدان پایه بود که وی را از کالبد شخصی بیرون می‌کشید یا در مقام شخصیتی منفرد حالتی می‌بخشید که آدم را به شکل مضحکی به هوس بی‌آبرو کردنش دچار می‌کرد.

او مثلِ اعلای جوان برنای بریتانیائی، با تمام نیروی مردانگی و تندرستی‌اش بود. شاید که جایگاه او پس از سپری کردن روزگار باطل‌اش در کمبریج به این حالت او رنگ تندتری بخشید و با تلاش شخصی و آگاهانه‌اش تصویر قلندر مآبی از خود بجا گذاشت. او در گرانچستر زندگی می‌کرد. پای او همیشه برهنه بود. به گرد تنباکو و گوشت قصابی نمی‌گشت. سرتاسر روز و حتی شاید هنگام خواب شبانه را در هوای آزاد می‌گذراند. رفتار او شاید افراطی بود و بازگشت او به دل طبیعت را بتوان از نگاه افراد پا به سن گذاشته خودنمایی تلقی کرد. ولی از نخستین کلام با او به یقین رسیدیم که در هر قدم‌اش پیشگام است و از گروه پیش‌آهنگانی است که بندرت در هر دورانی ظاهر می‌شوند و آشکارترین توانایی ایشان در مجذوب کردن نسل خویش است. بیلاق اطراف کمبریج پر شده بود از دختران و پسران جوانی که به پیروی از او پای برهنه راه افتاده بودند و با او در اشتیاق‌اش به آبتنی و خوردن ماهی همراهی می‌کردند و آداب رسمی را به مسخرگی گرفته بودند و ادعا می‌کردند که در وجود مرد موزع شیر و زن گاوچران یک چیز ژرف و عمیقی نهفته است.

نتیجه این افکار بی‌پایه را در لحن نامه‌نگاری او در آن روزگار مشاهده می‌کنیم. سبک نامنظم و نثر شلخته و بریده نویسی و اظهار شگفتی‌ها همه اینها لابد نوعی جن‌گیری از فرهنگ و ادبیات بوده است. البته رفتار او در این عرصه نیز مانند جاهای دیگر آنقدر مستحکم بوده که از اتهام به تظاهر کردن مبری شود. او از نقاب زدن به چهره‌اش فقط بدنبال شیرین کاری، همراه با عشق به تفریح کردن، بود.

عمر او نه تنها حاصل ذهنی پیوسته هشیار و بی‌نهایت دقیق بلکه جلوه‌ای بود از میل صادقانه و اصیل که می‌بایست ذوق بسیار ورزیده و سرشت بشدت محجوب او را با یکدیگر همگام کند.

در بررسی تأثیر عمومی روبرت بروک بر روزگار وی، آمیزشی از نازک طبعی و شور

● روپوت چانز بروک (شاعر)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فراوان را می‌توان دید. او، همانند بیشتر آدم‌های ظریفی که برای مصونیت شخصی از روش‌های خصوصی برخوردارند، خود را با تظاهر به بی‌ثباتی محافظت می‌کرد. حتی اگر اندکی با او، با همان تن آفتاب خورده و ظاهر آشفته‌ای که به نمایش می‌گذاشت، آشنا بودیم، مجبور می‌شدیم نه تنها صداقت بی‌حد بلکه جدیت و علاقمندی فراوان وی به چیزهایی که به آنها دل بستگی داشت را بپذیریم.

او بویژه در تلاش خستگی‌ناپذیر برای همگام کردن ادبیات و هنر نگارش بود. او بسیار خوان بود و همه چیز را از چشم اهل فن خوانده بود. پیرو گفته بانو کارنفرد: «من در خودم توانائی استفاده، حتی یک کلمه، از این زبان ساختگی احساساتی که اینروزها در اطراف خودم می‌شنوم یا که اغلب اوقات در اشعار می‌خوانیم را تصور نمی‌کنم. ولی زبان او استوار بود.» او وقتی درباره‌ی اثری از نویسنده زنده‌ای صحبت می‌کرد این تصور را ایجاد می‌کرد که قطعه شعر یا داستان را مانند موجود ملموسی در برابر چشم دارد و ارزیابی‌اش نه تنها بسیار دقیق بلکه از آزادی و حقیقت موجود در قضاوت اهل همان هنر نیز برخوردار بود. احساس می‌شد که برای او ادبیات چیز مرده و کهنه‌ای نباشد بلکه فرایندی باشد که در جریان آن عده‌ی زیادی، از جمله دوستان بسیار زیاد خود وی، سهیم‌اند و به عقیده وی کسانی که به آن می‌پردازند نمی‌توانند از کسب فرهنگ و مهارت و، فراتر از همه، کار سنگین و پیوسته، فارغ باشند.

در خاطر پریشان ما، آنچه از میان گفتگوهای مشابه با او به یادگار مانده، و اغلب نویسندگان ضرورتی برای آن قائل نیستند، حکم به پُرکاری است.

یادداشت:

آنچه خوانده شد ترجمه فارسی مقاله زیر است:

Une chronique inedite de Wirginia Woolf. Wirginia Woolf Traduit de l'anglais par Jean Pavans. Magazine Litteraire No. 437 Decembre 2004.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی